

معمایی برای یک جنایت

تکنیک داستان پردازی پلیسی (از نوع معمایی)

محمد مهدی نحوی فرد



سرشناسه	: نحوی فرد، محمد مهدی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: معمایی برای یک جنایت: تکنیک داستان پردازی پلیسی (از نوع معمایی)/ محمد مهدی نحوی فرد.
مشخصات نشر	: تهران: آموت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۱-۵۰-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: فیلم های پلیسی -- فیلم های جنایی -- داستان های پلیسی -- داستان های جنایی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ن ۳ پ ۸ / ۹ / ۱۹۹۵ PN
رده بندی دیویی	: ۷۹۱/۴۳۶۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۸۷۰۷۲



بنیاد ادبیات
داستانی ایران



معمایی برای یک جنایت

تکنیک داستان پردازی پلیسی (از نوع معمایی)

محمد مهدی نحوی فرد

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شهیر

لیتوگرافی و چاپ: ترانه

نشر آموت

تلفن: ۰۹۳۶۰۳۵۵۴۰۱-۸۸۸۲۷۱۴۰

پست الکترونیکی: aamout@gmail.com

وب سایت: www.aamout.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

978-600-5941-50-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۱-۵۰-۰

این کتاب با حمایت بنیاد ادبیات داستانی منتشر شده است.

فهرست

۹	پیشگفتار
	فصل اول
۱۷	مروری بر سیر تکامل داستان‌های پلیسی و پیشکسوتان آن
	فصل دوم
۳۵	عناصر اصلی داستان‌ها و فیلم‌های پلیسی - کارآگاهی (پلیسی - معمایی)
۳۹	قاتل (جنایتکار)
۵۱	قربانی (مقتول)
۵۲	کارآگاه (پلیس)
	فصل سوم
۶۳	ساختار داستان‌ها و فیلم‌های پلیسی - کارآگاهی (پلیسی - معمایی)
۷۰	داستان پلیسی، اثری تخیلی - واقعی
۷۱	نقش استدلال و منطق در داستان‌ها و فیلم‌های پلیسی
۷۳	نحوه روایت داستان‌ها و فیلم‌های پلیسی
۸۴	قوانین «ون داین» در زمینه داستان پلیسی
۸۷	طول مدت فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی - کارآگاهی
۸۹	مراحل داستان‌پردازی آثار پلیسی - کارآگاهی (پلیسی - معمایی)

فصل چهارم

اولین مرحله داستان‌پردازی پلیسی (از نوع معمایی) {مرحله تنظیم طرح و توطئه جنایت} ۹۱

فصل پنجم

دومین مرحله داستان‌پردازی پلیسی (از نوع معمایی) {مرحله پیچیده‌سازی، گمراه‌سازی و انحراف ذهن} ۱۱۹

مظنون‌سازی ۱۲۱

چهارده روش مظنون‌سازی ۱۲۸

نحوه ارائه اطلاعات در جهت پیچیده‌سازی ۱۵۱

الف) اطلاعات پنهان شده ۱۵۲

ب) اطلاعاتی که در روند تحقیقات مؤثر است و کارآگاه را به سوی

کشف حقایق هدایت می‌کند ۱۵۶

ج) اطلاعات نادرست ۱۶۷

مقابله به مثل قاتل علیه اقدامات کارآگاه ۱۷۵

سوءاستفاده افراد از وقایع جنایت ۱۸۱

فصل ششم

سومین و چهارمین مرحله داستان‌پردازی پلیسی (از نوع معمایی) ۱۸۷

مرحله شناسایی و دستگیری مجرم (دستیابی به نتیجه) ۱۸۹

مرحله رفع ابهامات (توضیح درباره نشانه‌ها) ۲۱۰

پیوست ۱

فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی مورد استفاده ۲۱۳

پیوست ۲

کتابنامه ۲۱۷

پیشگفتار

از آن زمان که قابیل با طرح نقشه، هابیل را کشت و جسدش را مخفی کرد و به این ترتیب اولین جنایت بشری را رقم زد، جنایت همواره در عالم بشریت وجود داشته است. پس از قرن‌ها، از آنجا که انسان موجودی ذاتاً قصه‌گو و داستان‌پرداز است، خیال و جنایت آدم‌های شرور را بهانه‌ای برای داستان‌سرایی قرار داد و به این ترتیب جنایی‌نویسان به وجود آمدند تا جنایت را که اغلب با انگیزه‌های مشخص و به طور ساده انجام می‌پذیرد، با قلم خود پیچیده کنند تا علاوه بر لعن پلیدی و زشتی در آثار خود، با بهره‌گیری از حس کنجکاوی بشر و قدرت استدلال و استنتاج او، شکلی از یک اثر ادبی - هنری را به وجود آورند. پس از ظهور سینما و تلویزیون، داستان‌های جنایی عرصه جدیدی برای نمایش یافتند و مخاطبان بی‌شماری را مجذوب خود ساختند.

علاقه‌مندی من به ژانر^۱ «گونه» «پلیسی - جنایی» به دوران نوجوانی باز می‌گردد؛ یعنی درست وقتی که اولین رمان از این نوع را به نام «بچه‌ها کجا هستند؟! اثر «جیمز هادلی چیس»^۲ خواندم. این رمان در شاخه «رمان‌های مبتنی بر معما»^۳ قرار می‌گرفت. رمانی بود بسیار جذاب و پُرکشش. این رمان

1. Genre

2. James Hadley Chase

3. Roman Problem

راز سر به مهری داشت که نویسنده به واسطه آن خوانندگان را به دنبال خود می کشید و صفحه به صفحه خواننده را مشتاق تر و کنجکاوتر می گرداند و سرانجام با برملا شدن یک حقیقت غیر منتظره و غافلگیرکننده - که خاص این سبک است - خاتمه می یافت. از آن پس داستان ها و رمان های گوناگونی از این قبیل که به دستم می رسید، می خواندم. رمان هایی از نویسندگان مختلف، چون: «سر آرتور کانن دوئل»^۱ (خالق شرلوک هلمز)، «رژر سیمنون»^۲ (خالق کارآگاه مگره)، «یان فلمینگ»^۳ (خالق جیمز باند)، «موریس لوبلان»^۴ (خالق آرسن لوپن)، «میکي اسپیلن»^۵ (خالق مایک هامر)، «داشیل هامت»^۶ (خالق سام اسپید)، «ریموند چندلر»^۷ (خالق فلیپ مارلو)، «آگاتا مری کلاریسا میلر»^۸ (معروف به آگاتا کریستی - خالق هرکول پوآرو و خانم مارپل) و ... ساختار خلاقانه برخی از این آثار من را به شدت متحیر می کردند. در حقیقت بیشتر از این که متحیر ماجرای داستان شوم، متحیر تفکر تیزهوشانه نویسنده آن می شدم؛ به طوری که پس از پایان کتاب ها و برملا شدن راز موجود در آنها، با بازنگری مجدد در روند شکل گیری داستان و بررسی حیل ها و ترفندهایی که نویسنده جهت فریب و گمراه سازی مخاطبان به کار برده بود، بیش از پیش مجذوب می شدم.

داستان ها و رمان های پلیسی به گونه ای نظام می یابند که کنجکاوی و هیجان را در مخاطبان برانگیزند. اگر داستان های پلیسی وجود دارند، اول به این دلیل است که انسان ذاتاً موجودی متفکر است و پیوسته به دنبال علل

1. Sir Arthur Conan Doyle

2. George Simenon

3. Ian Fleming

4. Maurice Leblanc

5. Mickey Spillane

6. Dashiell Hammett

7. Raymond Chandler

8. Agatha Mary Clarissa Miller (Agatha Christie)

پدیده‌هاست و تا درک نکند، رنج می‌برد. بنابراین به محض حل یک معمای مبهم و ناشناخته، به لذت عجیبی دست می‌یابد. این وحشت از ناشناخته و این شگفت زده شدن از حل معما، خطوط اصلی داستان‌های پلیسی را تشکیل می‌دهد. در این گونه آثار برای ایجاد سرگرمی از شیوه‌های اساسی منطق استفاده می‌شود. «دکارت»^۱ سال‌ها پیش از پیدایش داستان پلیسی، بر اهمیت قوه تفکر و استدلال بشر تأکید کرد. پس از او کسانی همچون «لاپلاس»^۲ نیز برای هوش، ادراک و قدرت تجزیه و تحلیل انسان، اهمیت فوق‌العاده قائل شدند. در قرن نوزدهم، با پیدایش فلسفه اثباتی و گسترش علم، انسان نیز همانند مبحث برق یا مباحث دیگر، موضوع علم قرار گرفت و چنین به نظر آمد که علم قادر است همه پدیده‌ها را توضیح دهد و به تمام ابعاد وجودی انسان دسترسی پیدا کند و حتی به مکانیسم اندیشه او بپردازد. بنابراین روش استدلال، استنتاج و خواندن اندیشه روح یافت. در این دوره با پیدایش داستان‌های پلیسی اسرارآمیز، کارآگاه‌ها نیز همانند دانشمندان قادر می‌شود مسأله‌ای جنایی را به شیوه آزمایشگاهی و بر پایه تجربه، مشاهده و استدلال مورد بررسی قرار دهد و طی یک سیر منطقی از معلول‌ها به علت برسد. یکی دیگر از دلایل پیدایش این ژانر را می‌توان گسترش «شهرنشینی و تمدن» دانست. داستان‌های پلیسی زاینده تمدن صنعتی و ماشینی و نوعی تفسیر وضعیت بشری امروز با همه رمز و رازهای زندگی است. این نوع داستان‌ها به بهترین شکل از «ترس» بهره‌برداری می‌کنند و به آن طنین هنری می‌بخشند و آن را به یک احساس زیبا بدل می‌کنند.

این ژانر یکی از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین ژانرهای ادبی در جهان است؛ اما متأسفانه وجود داستان‌های به اصطلاح پیش پا افتاده که در برخی

نشریات منتشر می‌شود و اشباع بازار با رمان‌های پلیسی مبتذل و بسیار ضعیف که به هیچ وجه انطباقی با ساختار هوشمندانه این ژانر ندارند، باعث شده سطح رمان‌های پلیسی اُفت کند و به مادون ادبیات تبدیل شود و متأسفانه عده‌ای به اشتباه آنها را به جای خود رمان پلیسی می‌گیرند. باید توجه داشت سبک رمان پلیسی، سبک اندیشه است. بنابراین از نویسنده‌اش دقت و روئین‌بینی زیادی طلب می‌کند و نوشتن این گونه آثار یکی از دشوارترین نوع نگارش‌ها در زمینه ادبیات داستانی است. رمان پلیسی اگر از ذوق سلیم منحرف شود، به دام مسائل سفسطه‌آمیز می‌افتد و ریشه‌های فساد در آن رشد کرده و به آسانی به انحطاط کشیده می‌شود. «بوآلو نارسزاک»^۱ - نویسنده و منتقد فرانسوی - بر این عقیده است که مادون ادبیات تنها موقعی به وجود می‌آید که نویسنده بخواهد تسلیم خواننده شود. بزرگان رمان پلیسی، چون: فریمن، آگاتا کریستی، سیمون و... هرگز تسلیم خواننده خود نشدند.^۲

پس نباید در مورد ماهیت این گونه آثار دچار اشتباه شد. به هر حال من از سویی دیگر گرایشی هم به سوی فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی تلویزیونی پیدا کردم. از آنجا که زیربنای یک فیلم پلیسی جذاب و پیرکشش، یک داستان پلیسی خوب است، با مشاهده و بررسی فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی در دسترس که در شاخه «معمایی» بودند، همچون: سریال «هرکول پوآرو»^۳، «خانم مارپل»^۴، «شرلوک هولمز»^۵، «دریک»^۶، «کمپیون»^۷، «کارآگاه کاستر»^۸،

1. Boileau Narcejac

۲. کریستی، آگاتا: مرگ راجر آکروید، ضمیمه مقاله «نقد و بررسی رمان پلیسی» از بوآلو نارسزاک، ترجمه خسرو سمعی، تهران، نشر قطره، چاپ اول: ۱۳۷۲، ص ۱۳۵

3. Hercule Poirot

4. Miss Marple

5. Sherlock Holmes

6. Derrick

۷. Campion: این سریال با نام «معمّا» از شبکه یک سیما پخش شده است.

۸. نام اصلی سریال به زبان آلمانی: Der Alte

«کارآگاه - رکس»^۱، «کارآگاه وُلف»^۲، «ناوارو»^۳، «مظنون اصلی»^۴ و... متوجه این نکته شدم که نویسندگان این فیلم‌ها و سریال‌ها از اصول داستان‌پردازی خاص و از ترفندهای کم و بیش مشترکی جهت فریب و انحراف ذهن مخاطبان خود استفاده می‌کنند؛ به خصوص که عرصه سینما و تلویزیون به دلیل دیداری بودن، امکانات دیگری را هم جهت پیچیده‌سازی و فریب اذهان در دسترس قرار می‌دهد که رمان‌ها از آن بی‌بهره هستند.

نگارنده جهت تکوین این کتاب با تنگناهایی مواجه می‌شود. یکی از مشکلات عمده، ندانستن منابع مکتوب در این زمینه بود. اکثر کتاب‌هایی که در ایران در زمینه آثار پلیسی وجود دارند، در زمینه پلیسی‌های «دلهره آور»^۵ هستند؛ اما در زمینه ساختار پلیسی‌های «کارآگاهی» (معمایی)، یعنی پلیسی‌هایی که در آن «معمّا» نقش محوری و تعیین‌کننده دارد و به عنوان عنصر مرکزی در داستان مطرح است و در زمینه چگونگی نگارش و شگردهای این نوع داستان‌ها، تاکنون کتابی وجود نداشته است. بنابراین به دلیل کمبود منابع، جهت نگارش این کتاب ابتدا به اصل آثار پلیسی (داستان‌ها، رمان‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی) به عنوان «سند» مراجعه نموده و سعی کرده‌ام تا اصول حاکم بر این ژانر و نحوه داستان‌پردازی و شگردهای آن را از دل خود آثار پلیسی بیرون بکشم. به همین خاطر به این نتیجه رسیدم که شاید برای شکل دادن به این کتاب، تلفیق داستان، فیلم و سریال مناسب‌تر باشد. شایان توجه است از آنجا که آثار پلیسی خانم آگاتا کریستی - که به او لقب «ملکه جنایت» داده‌اند - نه تنها در ایران که در کل جهان

1. Kommissar - Rex

2. Wolff

3. Navarro

4. Prime Suspect

5. Thriller

بیش از پلیسی نویسان دیگر چاپ و منتشر شده است، به طوری که ایشان در کتاب «رکوردهای گینس» مقام اول را در میان پرفروش ترین نویسندگان کتاب در تمام دوران‌ها، به خود اختصاص داده‌اند و آثارشان به بیش از یک صد زبان ترجمه شده است و از آنجا که ایشان اولین نویسنده‌ای بودند که جایزه «استاد اعظم» که ویژه نویسندگان ممتاز داستان‌های پلیسی - جنایی است را از مجمع معما نویسان آمریکا دریافت کرده‌اند و همچنین به این دلیل که نام و آثار او به خاطر پخش تلویزیونی سریال‌های هرکول پوآرو و خانم مارپل بیشتر نزد مردم ایران شناخته شده است^۱، در این کتاب بیشتر سعی شده از آثار این پلیسی نویس مطرح، مثال‌هایی ذکر شود. استناد به این آثار جهت اعتبار بخشیدن به مطالب و تأییدی بر صحت آن است. ضمن این که داستان‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها طوری بیان شده‌اند که چنانچه خواننده گرامی آن داستان‌ها را نخوانده یا آن فیلم‌ها و سریال‌های مطرح شده را ندیده باشد، بتواند با موضوع آن و مسأله مورد بحث به سادگی ارتباط برقرار کند. به خصوص که تا حد امکان سعی شده مطالب ساده، روان و به دور از پیچیدگی بیان شود.

لازم به ذکر است در تکوین این اثر، از دو مقاله که ضمیمه رمان‌های پلیسی آگاتا کریستی بود استفاده شده است. یکی از مقالات به نام «نقد و بررسی رمان پلیسی» مربوط به «بوآلو نارسزاک» - نویسنده و منتقد فرانسوی - (ترجمه خسرو سمیعی) است و دیگری مقاله «نوع‌شناسی داستان پلیسی» مربوط به «تسوتان تودوروف»^۲ (ترجمه فرزانه طاهری) می‌باشد. همچنین

۱. قابل توجه است خانم آگاتا کریستی نیز با مردم ایران آشنایی داشته است. او به دلیل کار شوهرش که یک باستان‌شناس بود، پیش از انقلاب چند بار به ایران سفر کرده و مدتی در شهر شیراز اقامت داشته است و حتی تحت تأثیر زیبایی‌های این شهر، یک داستان ایرانی به نام «خانه‌ای در شیراز» نوشته است.

نگارنده از مقاله «داستان پلیسی» (در زمینه تاریخچه داستان پلیسی) نوشته «محمد رضا سهرابی» که در سال ۱۳۷۵ در مجله نیستان به چاپ رسیده، بهره‌مند شده است.

در این کتاب من با بازنگری داستان‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی و یادداشت‌برداری از شگردهای داستان‌پردازی آنها، چهار مرحله داستان‌پردازی پلیسی را در چند فصل ارائه کرده‌ام که از مرحله «تنظیم طرح و توطئه جنایت» تا «دستگیری مجرم و رفع ابهامات» را دربر می‌گیرد. این چهار مرحله جهت نگارش داستان‌های پلیسی از نوع معمایی کاربرد دارد. ضمن این که از بررسی آثار پلیسی، چهارده روش جهت ایجاد سوءظن نسبت به شخصیت‌ها به دست آورده‌ام و آن را در مبحث «مظنون‌سازی» بیان داشته‌ام که برای نگارنده به شخصه این بخش ارزش خاصی دارد و خواندن آن را از طرف خواننده گرامی خالی از لطف نمی‌دانم. این کتاب بر آن است تا با آشکارسازی شگردهای هوشمندانه و ترفندهای پیچیده‌سازی، گمراه‌سازی و انحراف ذهن که در آثار پلیسی (از نوع معمایی) مشاهده می‌شود و با ارائه تکنیک نگارشی این نوع آثار، راه را برای شکل‌گیری آثار خلاقانه جدید هموار سازد تا شاید به این وسیله این ژانر لذت‌بخش ادبی-سینمایی مورد توجه بیشتر قرار گرفته و جایگاه ویژه خود را به دست آورد.

من مطالب این کتاب را پانزده سال پیش نوشته بودم اما هیچگاه فرصت چاپ آن را پیدا نکرده بودم؛ تا این که در فروردین ۱۳۹۰، با برخورد با یک دوست قدیمی - یوسف علیخانی - که در حال حاضر نویسنده‌ای سرشناس است و بیش از یک دهه او را ندیده بودم، ایشان انگیزه چاپ این کتاب را در من به وجود آورد و مقدمات انتشار آن را در انتشارات خود - آموت - فراهم ساخت. اگر زحمات نامبرده نبود شاید این کتاب هیچ وقت منتشر نمی‌شد. از

این جهت از او کمال سپاس را دارم. همچنین لازم است در اینجا از خانم دکتر سهیلانجم، استاد گرانقدر دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که انگیزه نوشتن این اثر را در من به وجود آوردند و از رهنمودهای ارزنده‌شان قدردانی نمایم. کتاب پیش رو تقدیم می‌شود به آن دسته از نویسندگانی که قصد آن دارند تا ذوق و استعداد خود را در این سبک داستان‌نویسی بیازمایند و تقدیم می‌شود به همه علاقه‌مندان آثار پلیسی و همه آنانی که در پی لذت گنج‌کننده حل معما هستند.

محمد مهدی نحوی فرد

۱۳۹۰

www.ketab.ir